

# ایران

جشنواره | ۹۸ | ۱۱ | ۱۳

سی و هشتمین  
جشنواره بین‌المللی  
تئاتر فجر  
38th  
FADJR  
International  
Theater  
Festival



## باید از مرکزگرایی فاصله بگیریم

میلااد نیک آبادی از کیفیت حضور تئاترهای استانی در جشنواره تئاتر فجر می‌گوید

### چرا فجر برای

### غیرتهرانی‌ها مهم است؟

«ایران» از توجه ویژه شهرستانی‌ها  
به جشنواره تئاتر فجر گزارش می‌دهد

### سکوتی نامتوازن

درباره نمایش «سکوت سفید»  
به کارگردانی کوروش سلیمانی



## قربانیان تبعیض روی صحنه اشک می ریزند

درباره نمایش «کمیته نان»  
به کارگردانی لیلی عاج



نوشته سید حسین رسولی



نمایش «کمیته نان» به نویسندگی و کارگردانی لیلی عاج و بازی الهام شعبانی، ارسطو خوش رزم، غزاله جزایری، شاهور ستمی، لیخند بدیعی و سعید احمدی در سی و هشتمین جشنواره فجر حضور دارد. این نمایش به زندگی کارگران می پردازد ولی به شدت احساسات برانگیز است و آنقدر اشک و گریه تماشا خواهد کرد که شاید یاد فیلم های هندی بیفتید.

خود لیلی عاج در گفت و گویی تأکید کرده است که «کمیته نان» یک نمایش تلخ اما امیدوار کننده است. به نظر می رسد در باب این نمایش باید دوباره به مباحث بازنمایی و رئالیسم رجوع کنیم. شاید باز خوانی نوشته های گئورگ لوکاچ، فیلسوف، نظریه پرداز و منتقد هنری مجارستانی جالب توجه باشد. لوکاچ به «قهرمان مسأله دار» توجه ویژه ای دارد زیرا که با ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی در اروپا، رمان به سبب برخورداری از قابلیت نشان دادن واقعیت های زندگی، جای حماسه را می گیرد. لوکاچ پس از بیان این مفاهیم تاریخی در کتاب های خود به طور ویژه کتاب «نظریه رمان» به این نتیجه می رسد که رمان های رئالیستی، به عنوان اصلی ترین شکل اثر ادبی، به شدت همخوان با جامعه بورژوازی هستند. پس از اولوسین گلدمن نیز هر اثر سازگار با رئالیسم را اثری ارزشمند می داند. بنابراین این دو متفکر در باب رئالیسم انتقادی قلم زدند و تأکید کردند که در رمان های رئالیستی شخصیت هایی وجود دارند که به سبب پای بندی به اصول و ارزش های راستین پروبلماتیک (مسأله دار)، دست به کنش می زنند. از دیدگاه لوکاچ و گلدمن، قهرمان پروبلماتیک، فردی مسأله دار، بی آینده، معترض و پیر از مشکل است که در جهانی تباها، جویای ارزش های کیفی و ذاتی انسانی است. یکی از مشکل های اساسی تئاترهایی شبیه به آثار لیلی عاج توجه بسیار زیاد به حجم انبوه فقر و فلاکت و بدبختی است. در واقع، هنرمند دیگر از جامعه جلوتر نیست و نمی تواند اثری معترض و آینده نگر تولید کند بلکه واکنشی به جامعه و معضل های آن دارد. معمولاً در این نوع از نمایشنامه ها تلاش می شود تماشاگر را با سیل بلاهای ریز و درشت درگیر کرد و احساساتش را هم جریحه دار. آنان قهرمان هایی را نشان می دهند که باعث دلسوزی تماشاگر بشوند. انگار که باید نوعی کاتارسیس شکل بگیرد و تماشاگر دچار ترس و شفقت بشود که نکند من هم دچار این بدبختی های طبقه کارگر بشوم.

لیلی عاج خانواده کولبرانی را نشان می دهد که دنبال نان هستند ولی اصلاً توجهی به این ندارد که چرا وضع کارگران تا این میزان آشفته و خطرناک شده است بلکه تنها زندگی فلاکت بار آنان را توصیف می کند. وی تلاش دارد تا به عنوان تماشاگر دلسوزی کنیم نه اینکه متوجه علل این تبعیض بشویم و دست به تغییر آن بزنیم. به عنوان مثال می توانیم به فیلم های هندی جریان اصلی رجوع کنیم و آنها را با فیلم های برادران تاویانی چون «سزار باید بمیرد» مقایسه کنیم. ما در فیلم «سزار باید بمیرد» شاهدیم که کارگردانان به دل زندانی واقعی رفته اند و بازیگران خود را از افراد واقعی برگزیده اند تا بتوانند بیشتر به واقعیت نزدیک بشوند. برادران تاویانی نمایشنامه «ژولیوس سزار» را که درباره خیانت است با زندانیانی واقعی به تصویر می کشند که قربانی سرمایه داری یا تفکرات غلط هستند. ■

## میان آرمان گرایی و سازندگی

درباره نمایش «برگشتن»  
به کارگردانی حسین مسافر آستانه



نوشته محمد حسن خدایی

همکاری خیرالله تقیانی پور در مقام نویسنده و حسین مسافر آستانه در جایگاه کارگردان، در نمایش «برگشتن» مسأله مند است و مواجعه ای قابل اعتنا دارد با میراثی که از دفاع مقدس و شهدا برای بازماندگان برج مانده است. «برگشتن» بدرستی بر نکته ای اشاره دارد که بعد از پایان جنگ بتدریج در فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور نمایان شد. یعنی همان رویکردی که در قبال توسعه و سازندگی کشور اتخاذ شد. با آنکه فضای عمومی امیدبخش بود و اخلاقمدار، اما بودند عده ای که روزگاری در دفاع مقدس حضور داشته و از مرزهای کشور محافظت می کردند، اما بعد از برگشتن از جبهه ها، گرفتار هوای نفس شده و به بیراهه رفتند. افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده کردند و چنان توسعه اقتصادی را پی گرفتند که در ادامه از آرمان های اولیه انقلاب و دوران دفاع مقدس غافل شدند. نمایش «برگشتن» روایتی است انتقادی از این آرمان زدایی. بنابراین اجرا به رویکردی آرمان گرا یا توسعه محور نگاهی آسیب شناسانه دارد. در شکل طبیعی توسعه، نباید تضاد و تباینی مابین این دورویکرد به وجود می آمد، اما تجربه تاریخی این سال ها نشان از این واقعیت دارد که چگونه توسعه اقتصادی اولویت اصلی عده ای شد و در نهایت منجر به تفوق منطق سرمایه داری. حتی سرزمینی که روزگاری جوانان این مملکت برای حفظ آن، جان خویش را از دست دادند، برای عده ای تبدیل به قلمرویی شد در خدمت ساخت و ساز و انباشت ثروت.

حسین مسافر آستانه با رویکردی کمیته گرا، فضایی سرد و انتزاعی را بازنمایی کرده است. شخصیت ها با ژست هایی ایستا و مهندسی شده، تنها در خطوط مستقیم حرکت می کنند و روابط انسانی مابین شان تقلیل یافته. گویی شخصیت ها در یک تابلوی نقاشی هستند و روبه تماشاگران ایستاده و رازها و میل های خود را بیان می کنند. از یاد نبریم که برگشتن روایتی است از تفحص شهدا. اینکه چگونه بیکر تعدادی از مفقودین همچنان نامعلوم است و خانواده ها به انتظار نشسته. اجرا همچنین روایت آن دسته از مادران این سرزمین است که به انتظار خبری از فرزندان خویش، سال هاست لحظه شماری می کنند. با آنکه نمایشنامه خیرالله تقیانی پور از فضای بعد از جنگ، چندان حرف تازه ای ندارد اما اجرا تلاش کرده تازه و شاداب باشد حتی وقتی که روایت و طراحی صحنه، یادآور زخم ها و از دست دادن عزیزان است. تلفیق واقع گرایی با سوررئالیسم، به اجرا رنگ و بویی دیگر بخشیده و ذهنیت و عینیت را به شکل متناوب در مواجعه با یکدیگر قرار داده است. پرده ای که مقابل صحنه کشیده شده گویی همه چیز را به امر رازورانه و متافیزیکی کشانده. در آخر اجرا وقتی یکی از بازیگران که کودک است از آن پرده عبور کرده و در مقابل تماشاگران می ایستد، مرز باریک واقعیت و خیال برداشته شده و زندگی روزمره با امر استعلاعی پیوند می یابد.

در نهایت می توان اجرای برگشتن را تلاشی دانست برای روایتی مدرن و معاصر از تاریخ بعد از انقلاب ذیل جنگ و پایان آن. روایتی که به هر حال نشان از تلاشی تازه دارد برای بیان امر بیان ناپذیر. فی المثل به یاد بیاوریم پرسش های دختر نوجوان خانواده را در رابطه با هویت خویش و نسبتی که با اعضای دیگر خانواده برقرار می کند. ■



## این فقط یک نمایش است!

درباره نمایش «است»  
به کارگردانی پرنیا شمس



نویسنده احسان زیور عالم

یک کلاس سال دوم دبیرستان، هفت دختر، نشسته پشت نیمکت‌ها در برابر معلمی که دیده نمی‌شود. دانش آموز تازه‌وارد چندان مورد استقبال همکلاسی‌هایش قرار نمی‌گیرد و تنها یک دختر او را همراه خود می‌بیند. هر دو دانش آموز وارد یک بازی شیطنت‌آمیز می‌شوند. انتقام‌گیری از همکلاسی‌هایی که برای امتحان ندادن آنان را همراهی نمی‌کنند و رابطه‌ای سرد با هر دو برقرار می‌کنند. فرآیند شیطنت در نهایت به دفتر مدیر مدرسه - که او هم نادیدنی است - ختم می‌شود. جایی که مدیر هر دو را به داشتن رابطه‌ای ممنوعه متهم می‌کند. این اتهام دوستی یک ساعته روی صحنه را از بین می‌برد. یکی مدرسه را ترک می‌کند و زیر بار اتهام نمی‌رود و دیگری - دانش آموز تازه‌وارد - گناه ناکرده را می‌پذیرد.

این خلاصه یک نمایش از کارگردانی با تجربه نیست. خلاصه نمایش «است» به کارگردانی پرنیا شمس است که روایتی از یک وضعیت دخترانه دارد. جایی که به نظر می‌رسد مدرسه از یک محل اجتماع نوجوانانه بدل به محلی برای زیر نظر قرار گرفتن می‌شود. شمس تلاش می‌کند تصویری سرد و آزاردهنده از مدرسه بیافریند. جایی که یک شوخی می‌تواند تبدیل به تروما شود. دخترها که در وجودشان عصبیانه فروخورده نهان شده است، به دلیل شایعه نصب دوربین در کلاس‌ها دست از پا خطا نمی‌کنند. اعتراضشان در سکوت رخ می‌دهد و حتی صدایشان به سختی به گوش مخاطب می‌رسد. آنان تنها موجودات زنده واقعی در مدرسه به حساب می‌آیند. مدیر و معلم و ناظم مانند موجودات مجرد دیده نمی‌شوند، لمس نمی‌شوند، شنیده نمی‌شوند؛ اما همه چیز را کنترل می‌کنند. شمس نشان می‌دهد مدرسه دخترانه با تصویر رایج تفاوت دارد. مدرسه‌ای که شمس می‌آفریند یک زندان است. جایی که لباس‌های متحدالشکل همچون لباس زندان عمل می‌کند. جایی که دختر تازه‌وارد مجبور به تعویض لباسش می‌شود و از قضا این تعویض لباس آغازی بر دردرس نهایی می‌شود. در «است» مدرسه جایی برای کنترل کردن و نظارت کردن است. پرنیا شمس نشان می‌دهد سیستم آموزشی حتی در رویه تدریس نیز موفق به زیر نظر گرفتن دانش‌آموزان می‌شود.

دانش‌آموزان خود مانند نیروهای امنیتی مدرسه عمل می‌کنند. دانش‌آموزانی که در ابتدای نمایش به نظر می‌تواند متحد باشند، در سیستم آموزشی دچار نوعی واسازی ساختاری می‌شوند. یک آزمون یا یک تشریح از سوی مدیر می‌تواند هر نخ تسبیح‌واری را پاره کند. نتیجه آنکه مدرسه در حضور نادیدنی‌ها قدرتش را حفظ می‌کند. دانش‌آموزان ایزه‌های قابل مصرفی هستند که باید مدرسه را رها کنند؛ اما مالکان مدرسه پابرجا می‌مانند. هر چند آنچه مدرسه را می‌سازد وجود دانش‌آموزان است، نه دوربین‌ها و نیروهای نظارتی. در سال‌های اخیر حداقل در تئاتر - به جز «بی‌تابستان» کوهستانی - کسی برای مدرسه و دانش‌آموز تراه‌خرد نکرده است. کم شدن فاصله دوران مدرسه با مقوله تولید تئاتر، شرایط را به سمتی برده است که در تئاتر حرفه‌ای این روزها می‌توان نمایشی درباره مدرسه دید. درباره جهان درون مدرسه، همان جایی که مملو از عفونت و زخم است. شاید نسل‌های پیشین فرصت بیان اخته‌شدگی‌هایش را نمی‌یافت؛ اما به مدد تغییر در شیوه تولید تئاتر، پرنیا شمس با اندک فاصله‌ای جهان نهان یک مدرسه دخترانه را عریان می‌کند و این به کمک تئاتر ممکن شده است، نه هنر دیگری. ■

## سکوتی نامتوازن

درباره نمایش «سکوت سفید»  
به کارگردانی کوروش سلیمانی



نویسنده نیلوفر نانی



«سکوت سفید» همان متن تام استوپارد به نام «آرامش از نوعی دیگر» است که از ویژگی‌های خاص درام نویسی تام استوپارد برخوردار است. همان سبکی که به جریان تئاتر آبرورد نزدیک است و رگه‌هایی از کمدی که زبانی طنزانه و شوخی‌های جذاب دارد و فضاسازی تجربیاتی واقعی از انسان معاصر را بر صحنه می‌سازد. استوپارد همواره نگاهی به آرمان شهر انسانی دارد که مملو از صلح و آرامش و آزادی است. هر چند نهایتاً همان آرمان‌شهر را نیز برای انسان، دست‌نیافتنی و غیرممکن می‌داند. بنابراین آنچه در مورد استوپارد اشاره شد، انتظار می‌رود هر اجرایی از نمایشنامه‌های او نیز با قدرتی راسخ و نزدیک به جهان اوبه صحنه بیاید. جهانی که استیصال انسان را در وضعیت دنیای امروز به خوبی نشان می‌دهد. «سکوت سفید»، در همین راستا، در تلاش است ارائه درستی از ویژگی‌های خاص متن‌های استوپارد بدهد که درگیر کردن مخاطب با شخصیت اصلی نمایش جان براون به عنوان انسانی واخورده از اجتماع است که نمی‌تواند کمترین حدی از آرامش موردنظرش را به دست بیاورد و برای رسیدن به آن آرامش، بی‌آنکه بیمار باشد، به بیمارستان پناه می‌برد و متقاضی بستری شدن می‌شود. انسانی که رنج جنگ و تجربه حضور در آن را دارد و تنها نیازمند اندکی زندگی برفوق مراد است.

اما «سکوت سفید» در این مسیر اگرچه سعی و حسن نیتش روشن است، توفیق چندانی ندارد چرا که به تولید ژست‌های ساختگی و کلیشه‌ای، به جای نقش‌آفرینی و اداسازی به جای بازی موقعیتی و زیرپوستی، روآورده و حتی تصنعی بودن را در اولین مواجهه منتقل می‌کند. از نظر نگارنده، اجرا بزرگترین ضربه را از همین نحوه بازی و هدایت بازیگری می‌خورد و از همان دقایق اول، ارتباط با شخصیت‌های نمایش، سست می‌شود. مهدی بجستانی واله شه‌پرست دچار افت محسوس در نحوه خلاقانه اجرای نقش هستند و حتی بازی قابل قبول سامان دارابی را که ایفاگر نقش جان براون است و با تمام نیرو در ساخت تپیی برای ارائه موقعیت کاراکتر اصلی نمایش است، دچار اختلال می‌کند. هر چند او نیز در مواردی از کاراکترش فاصله گرفته و متوسل به تیپ می‌شود تا بتواند تنهایی و عمق رنج جان براون را منتقل کند. تنها به کارگیری یک لحن و بیان برای موقعیت مورد بحث، کافی نیست و حتی منفع‌عمل می‌کند که گاهی تصنعی بودن نوع ادای کلمات، به وضوح به پی‌ساخت کاراکتر، ضربه می‌زند.

«سکوت سفید»، بیش از آنکه بخواهد از طریق دیالوگ‌ها، به هسته درونی متن راه یابد و افسون متن استوپارد را بازنمایی کند، باید چنان در اجرا نفوذ کند و جا بیفتد که عینیت شایسته خود را تنها در کلام بازیابی نکند. و فراتر از چینش کلمات و دیالوگ‌ها، عمل کرده و فضاسازی کند. که این مهم چندان دریافت نمی‌شود. اجرا در دکور، طراحی صحنه و نور، لباس و گریم قابل قبول است اما در نزدیک شدن به آبرورد استوپارد و هدایت و بازیگردانی و جا افتادن نمایش، قابل نقد است و نمی‌توان آن را به عنوان اجرایی شگفت‌انگیز محسوب کرد. «سکوت سفید»، اگرچه با محتوای تنهایی و اسارت انسان امروز در هجمه مدرنیته و آرامشی مخدوش و یاسی گریزناپذیر، سوژه‌انگاره بر صحنه می‌آید اما تأثیرگذاری لازم را، در کشیدن مخاطب به عمق این فضا، ندارد. و بیش از آنکه، اتفاقی اندیشه‌ورز و محرک محسوب شود، اجرایی احساساتی است که تنها از جهت ملال وضعیت انسانی همچون جان براون، همذات‌پنداری ایجاد می‌کند. ■





# باید از مرکزگرایی فاصله بگیریم

میلااد نیک آبادی از کیفیت حضور تئاترهای استانی  
در جشنواره تئاتر فجر می گوید

از احسان زیور عالم

جشنواره بین المللی تئاتر فجر مانند چند دوره اخیر، همایش برگزیدگان استانی این جشنواره در تهران برگزار شد تا در یک فضای دوستانه، برگزیدگان مرحله نهایی و راه یافتگان به جشن فجر مشخص شود. در این دوره از همایش، برگزیدگان صرفاً تماشاگر نبودند. همایش برگزیدگان با چند پنل سخنرانی با موضوع اقتصاد و وضعیت تئاتر استان ها و کلاس های آموزشی در حیطه نویسندگی و کارگردانی و طراحی صحنه همراه بود. میلااد نیک آبادی که مسئولیت این بخش از جشنواره را بر عهده دارد در گفت و گو با روزنامه ایران از تئاتر استان ها و جلسات آموزشی با حضور کارگردان غیرتهرانی می گوید.



## امسال در جشنواره تئاتر فجر به دلیل شرایط پیش آماده حضور گروه‌های استانی هم چشمگیر تر است و هم تأثیر گذار تر

**به نظر می‌رسد در این دوره برخلاف دوره‌های پیشین برنامه مفصل‌تری در همایش استان‌ها تدارک دیده شده است. همواره مسأله دیدن آثار بوده ولی گویا برنامه در این دوره تغییر کرده است. سیاست همایش امسال چه بود که به چنین رویکردی دست پیدا کردید؟**

واقعیت این است که من چندان از جزئیات دوره‌های پیشین باخبر نیستم و تنها از دور نظاره‌گر وضعیت بوده‌ام. در این دوره چیزی که بیش از همه مدنظر بود و دبیر جشنواره هم بر آن تأکید داشت، آن بود که در پی دعوت دوستان سپاسی بر زحمات این کارگردانان صورت بگیرد. این افراد به هر حال از مرحله استانی به این نقطه رسیده بودند. کارگردانان و نویسندگانی بودند که نمایش آنها از مرحله استانی به دبیرخانه جشنواره معرفی شده بود. در مدت این چند روز سعی ما بر این بود برنامه متنوعی تدارک بینیم که بیشتر در حوزه آموزش و گفت‌وگوها طراحی شده باشد. تلاش کردیم دوستان را درگیر این برنامه‌ها کنیم. با توجه به اینکه این عزیزان نویسنده و کارگردان بودند و در بین آنان بازیگر یا عوامل دیگر نداشتیم، در طراحی تلاش کردیم کارگاه‌ها در دو بخش کارگردانی و اجرا و نویسندگی و متن باشد. در حوزه متن باز هم در دو وضعیت متفاوت، دو استاد را در نظر گرفتیم. آنچه مدنظر ما بود، ایجاد گفت‌وگومان تازه میان استادان و هنرمندان استانی بود. این گفت‌وگو از نوع تئوری- عملی بود. در چینه‌ها هم مباحث عملی و تئوری در نظر گرفته شده بود. آقای علیزاد برای مثال در هنگام تدریس عملی به مسائل تئوری می‌انداخت. حسین کیانی از منظر خودش به مسأله نگاه می‌کند که در ضمن پیشبرد مسأله قصه‌گویی در درام به مباحث تئوری هم پرداخته است. سعید بهنام بواسطه صحبت درباره شیوه‌های نوین روش تئوری‌تری داشت و دشتی با بچه‌ها اتودهایی کار کرده که به فرم اجرایی برسند. نگاه ما در طراحی کلاس‌ها و کارگاه‌ها آن بود که گفت‌وگومان مدنظر، گفت‌وگومان ارائه تجربیات نباشد که متأسفانه در بسیاری از کارگاه‌ها رایج است. من تلاش کردم در نوبت‌های صبح نگاه ما دانشگاهی تر باشد.

**در این دوره چیدمان دوره‌های آموزشی بشدت تازه بود و چهره‌های متفاوتی برای آموزش دعوت شدند. برای رسیدن به این کیفیت به دنبال چه ملاک‌هایی بودید؟**

گزینش ما بر اساس استاد‌های جوان بود. بچه‌های میهمان هم در سن جوانی بودند. نزدیکی با این آدم‌ها به گفت‌وگوی راحت‌تر و درک ایده‌های نزدیک منجر شد. برای همین تلاش کردم با دعوت استاد‌های جوان شور و شوق بیشتری ایجاد کنم تا بتوانند ارتباط محکم‌تر و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند. در گفت‌وگوهای خودم با بچه‌ها منتقد القول از این همایش راضی بودند. این ارتباط به شکلی بود که بچه‌ها با استادان ارتباط بگیرند و مباحث را در آینده، در شهرستان‌ها مفصل‌تر دنبال کنند. برای اینکه خیلی از تجربه آدم‌ها دور نشویم، در پتل‌های شبانه استانی را دعوت کردیم که فارغ از مسائل تئوری در باب تجربیات خود در حوزه نوشتن و اجرا سخن بگویند. حسن معجونی درباره بازیگری، قطب‌الدین صادقی درباره کارگردانی و جلال تهرانی درباره نویسندگی صحبت کرد. ما در دوگانه تجربه و دانشگاه طراحی کردیم که فارغ از مباحث صبح، مباحث تجربی را در شب استفاده کنیم. نشست‌های شبانه هم مورد استقبال قرار گرفت و جلسات جذابی شد. در یک پتل عصرانه هم در سه محور تئاتر بین‌الملل، مناسبات اقتصاد تئاتر ایران و گفت‌وگوی نسل‌ها صحبت شد. در پتل اول درباره چگونگی شرکت در عرصه‌های بین‌المللی صحبت شد. محمدرضا علی‌اکبری متأسفانه در جلسه حضور پیدا نکرد و آقای رایانی مخصوص و مهدی مشهور به سبب تجربه حضور در جشنواره‌های متعدد جلسه را برگزار کردند. در پتل دوم بهزاد آقاجمالی، جلال تجنگی و جهان‌شیر یاراحمدی صحبت کردند. آقاجمالی هم از منظر تئوری به مسأله مرکزگرایی و مرکززدایی پرداختند. تجنگی درباره زیرساخت‌های استان‌ها و یاراحمدی از ساختار انجمن‌ها گفت. در مورد گفت‌وگوی نسل‌ها هم رضا گشتاسب و مهدی نظیری درباره ایده‌های خود گفتند.

**برای اولین بار دیدیم که نگاه داستان محور و نگاه اجرا محور در تئاتر توأمان در یک دوره آموزشی برقرار شده است. این ایده از سمت چه کسی بود و چرا این نیاز حس شد که باید داستان و اجرا را با هم پیش ببریم؟**

آقای علیزاد که نویسندگی خلاق را آموزش داد سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند. ایشان به ما لطف کرد. چون این استاد دانشگاه اصولاً جایی جز دانشگاه تدریس نمی‌کند. در حوزه قصه‌گویی در درام نیز حسین کیانی تدریس داشت. در بحث کارگردانی کمی سعی کردم از افرادی بهره ببریم که تخصص در رشته‌های مختلف دارند. از سینمایلاق بیگی خواستم درباره طراحی صحنه کارگاه برگزار کند؛ چون در استان‌ها مسأله مهمی است بواسطه مشکلات اقتصادی نمی‌توانند به سمت طراحی صحنه هنرمندان و دقتی بروند. از سینمایلاق بیگی خواستم درباره تأمل کارگردان با طرح صحنه و تعادل اقتصادی صحبت کند. در بخش دیگری سعید بهنام درباره تأثیر شیوه‌های اجرای جدید در خلق اثر فراگیر سخن گفت. تمرکز بهنام روی شیوه‌های اجرایی معاصر بود. در بخش دیگر که شیوه‌های کارگردانی مدنظر بود، قرار شد اصغر دشتی یک کلاس شش ساعته با موضوع کارگردانی مستقل از متن برگزار کند.

**یکی از مهم‌ترین اتفاقات این دوره نشست با موضوع اقتصاد تئاتر استان‌ها بود. مسأله‌ای که بسیار کم‌بدان توجه شده بود. به نظر ت خروچی این نشست چه بود؟ رابطه شرکت کنندگان با گفته‌های سخنرانان چگونه شکل گرفت؟**

چیزی که من به لحاظ تجربه متوجه شدم این بود که پتل‌های عصرانه در ساعات مناسبی برگزار نشدند ولی پتل‌های صبح و شب استقبال بیشتری داشتند. این برای خود من عجیب بود؛ در حالی که مباحث خوبی بود و می‌توانست مشارکت بطلبد.

**آیا اساساً این تقابل استان‌ها و تهران در تئاتر ایران قابل حل هست؟** باید به سمتی برویم که مرکزگرایی از میان برود تا توزیع عادلانه سرمایه نقدی و انسانی محقق شود. مسأله مهم‌تر که همچنان سد راه مرکززدایی شده و اجازه کثرت‌گرایی و عدم تمرکز نمی‌دهد خود هنرمندان استانی هستند که به این مسأله دامن می‌زنند. خودشان نگاهی به تهران و اجرا در تهران و جشنواره‌هایی دارند که باعث مرکزگرایی می‌شود. اگر هنرمند به تقویت پایه‌های اقلیم خود بپردازند، آرام آرام قدرت از مرکز گرفته می‌شود و نگاه مرکزگرایی صرف از میان می‌رود. تا وقتی توجه عزیزان به تهران است این اتفاق به سادگی رخ نمی‌دهد. این نکته قابل حل است به شرطی که در گام نخست این نگاه توسط دوستان استانی از بین برود. باید بوم و هویت خود را درک کنند و آن را تقویت کنند. در بحث دوتایی استان و تهران همین مسأله مهم است.

**سطح آثار هنرمندان استانی چگونه است؟ آیامی توان مرزبندی هنری بین تهرانی‌ها و غیرتهرانی‌ها قائل شویم؟**

امسال در جشنواره تئاتر فجر به دلیل شرایط پیش آماده حضور گروه‌های استانی هم چشمگیرتر است و هم تأثیر گذارتر. از آنجا که من کارها را رصد کرده‌ام و با هیأت انتخاب گفت‌وگو‌هایی داشته‌ام، می‌توانم بگویم که سطح کارها امسال به مراتب رشد کرده است. شخصاً چند کار را تماشا کردم. به نظر سطح کارها نسبت به گذشته و خود کارهای استانی رشد کیفی قابل توجهی داشتند. رشد کیفی تئاتر ایران توسط نسل جوان رخ داده و تئاتر استان‌ها نیز از این قافله عقب نمانده است. دائم در حال تقویت خود است و تا جای ممکن و در دسترس بودن بسترها، خودش را با تئاتر روز دنیا همگام می‌کند. به نظر من تئاتر تهران و شهرستان از یک منظر دچار مرزبندی می‌شود، آن هم اینکه بستر تولید یک اثر تئاتری در تهران با سازوکار تولید اثر در شهرستان متفاوت است. در تهران مسائل مختلفی داریم که در شهرستان حل شده است و بالعکس در استان‌ها مسائلی مطرح است که در تهران نیست. آنچه می‌تواند مرزبندی این دو جغرافیا را از بین ببرد، تعیین سازوکار تولید است. اگر این فرض را مطرح کنیم که هنرمندان شهرستانی خلاقیت کمتری دارند، باید بگویم به هیچ وجه این گونه نیست. بواسطه هنرمندان پیگیر در استان‌ها و در ارتباط بودنشان با هنرمندان در تهران واقعی نقاط جهان، می‌توانند بر احوتی پیشنهادهای فرمی و هنری را دریافت کنند. بچه‌های استانی بر احوتی می‌توانند خود را با شرایط روز وفق دهند.

**به نظر می‌رسد اهمیت جشنواره گویی برای بچه‌های استانی به مراتب بیشتر است. از دید شما فجر برای این گروه از هنرمندان چه اندوختن‌های دارد؟**

نیک‌آبادی: از آنجا که اجرای عمومی در استان‌ها به جز چند استان هنوز به یک مسأله جدی و فراگیر تبدیل نشده است، هنرمندان استانی هنوز محلی برای ارائه آثار به شکل جدی و مواجهه با مخاطب خود و دریافت کیفیت اثر خویش پیدا نکرده‌اند. این جریان برای جدی شدن نیازمند زمان و کار و فرهنگ‌سازی است تا مخاطب استانی را جذب کنند و آنها را به سالن‌های تئاتر بکشاند. با توجه به اینکه این مهم هنوز عملی نشده، جشنواره تئاتر فجر تنها محلی است که می‌تواند اثر خود را ارائه دهند و با مخاطب جدی تئاتر در سالن مواجهه داشته باشند و باز خورد و بر خورد مخاطب را ببینند. هنرمندان تهرانی در طول سال اجرای عمومی و مخاطب خود را دارند و منتقدان و دانشجویان نیز با اثر در ارتباطند. به عبارتی اثر با سلاقی مختلف روبه‌رو می‌شود. با توجه به نبود این بستر برای هنرمندان استانی، جشنواره تئاتر فجر برای هنرمندان استانی مهم می‌شود. در این بزن‌گاه کوتاه، فارغ از نقدهای ما به مسأله رقابت، تقابل آثار برای هنرمندان پیدا می‌کند. مقوله رقابت هنوز برای بسیاری جذاب است. به هر حال نمی‌توان از یک تاریخ بگذریم. این جشنواره در طول زیست خود در این ۳۸ سال بر روند تئاتر و معرفی آدم‌ها به تئاتر حرفه‌ای تأثیر گذار بوده است و کورسویی برای هنرمندان استانی ایجاد می‌کند که با شرکت در این رقابت و کسب رتبه بتوانند خود را به عنوان آرتیست حرفه‌ای به تئاتر معرفی کنند. این مسأله می‌تواند آسیب‌های زیادی داشته باشد که ما از آن آگاهیم؛ ولی چون قصد ندارم در اینجا بدان بپردازم، بیشتر از این بابت به این موضوع نگاه می‌کنم که هنرمند نباید صرفاً به کمک هزینه و دوا اجرا در فجر بسنده کند بلکه باید این فرصت را به رفتار حرفه‌ای برای ارائه به خیل متفاوتی از مخاطبان تبدیل کند. می‌تواند با دریافت باز خورد از مخاطب در آثار بعدی فرآیند تولید خود را اصلاح کند. جشنواره را باید به عنوان فرصتی برای ارزیابی کلی آثارشان در نظر بگیرند، نه صرفاً گرفتن جایزه.

**به نظر فجر در سال‌های اخیر محل معرفی استعدادها بوده تا ادای دین به پیشکسوتان، نظر شما در این باره چیست؟**

جشنواره تئاتر فجر اساساً یکی از کارکردهایش در تمام این سال‌ها معرفی استعدادها بوده است. این جشنواره در سال‌های دور آدم‌هایی را معرفی کرده است که امروز پیشکسوتان تئاتر ایران به حساب می‌آیند. در سال‌های اخیر نیز نسلی را به تئاتر ایران معرفی کرده که نسلی خلاق و کوشا و بی‌پروا بوده و ایده‌های نو و جسورانه داشته‌اند که آنان را با بدنه تئاتر حرفه‌ای پیوند داده است. با توجه به اینکه نسل پیشکسوت دچار نوعی محافظه‌کاری می‌شود، نسل جوان با تولید اثر در مقابل این محافظه‌کاری می‌ایستد. این خودش گفتمانی را شکل می‌دهد که به رشد تئاتر و بودن ایده‌های جدید کمک می‌کند. با معرفی استعداد‌های نو به تئاتر ایران، اتفاق مؤثری رقم می‌خورد که موجب طلب کردن جدی آثار این نسل می‌شود.

**آیا جشنواره فجر می‌تواند در رازمدت جوان‌تر و غیرتهرانی‌تر شود؟** جشنواره تئاتر فجر راهی پیش پایش نیست جز اینکه به نیروهای جوان کشور اعتماد بیشتری بکند. به هنرمندان استانی اعتماد بیش از پیش داشته باشد تا آنان هم بازیگران مهم تئاتر ایران شوند. پیشکسوتانی داریم که بیشتر در این جشنواره خود را معرفی کرده‌اند و موفق به تثبیت خود شده‌اند. آنچه امروز نیازمند تحول است، فرم‌های اجرایی است که کلیدش در دست هنرمندان استانی است که بی‌پروا تر عمل می‌کنند. ما چه بخواهیم چه نخواهیم تئاتر حرفه‌ای ما، تئاتر نسل‌های پیشین کمی محافظه‌کار شده است. تئاتر جوان با ارتباط شخصی خود با تئاتر جهان می‌تواند کارگشا باشد و روند رشد تئاتر ایران را تسریع می‌کنند و پیوندهایی با تئاتر جهان ایجاد می‌کنند. در سال‌های گذشته دیده‌ایم که فرم‌های جدید توسط نسل جوان معرفی شده است. جشنواره اگر نتواند در طول برگزاری خودش تأثیری بر تئاتر ایران نداشته باشد، برگزاری اش زیر سؤال می‌رود. این جشنواره باید در فرم و محتوا، اجرا و چگونگی پرداختن به یک سوژه پیشنهاد دهنده باشد. این اتفاق در سال‌های اخیر توسط هنرمندان جوان و جسور رخ داده است. امیدوارم در سال‌های آینده جشنواره بیشتر به جوانان اعتماد کند و بچه‌های استانی از این مسأله بهره‌مند شوند. ■





## فضای رقابتی آفت جامعه هنری

افشین خورشید باختری: «بخش غیر رقابتی این مزیت را دارد که از کلیشه رقابت پرهنر می‌کند. فضای رقابتی این روزها به آفت جامعه هنری کشور بدل شده است و تأثیرات منفی بسیاری هم بر فعالیت هنرمندان خواهد گذاشت و مخاطبان اصیل هستند نه جوایز و دیپلمات‌ها. نگاه ضروری به تأثیر داشته باشیم. ما باید بدینم بزرگترین اعتبار تأثیر ایران، حوزه‌ای است که از جامعه برآمده و بر جامعه اثر می‌گذارد. جشنواره تئاتر فجر سال‌هاست که برگزار می‌شود و خروجی‌های بسیار مطلوبی هم داشته است.»

عضو هیأت انتخاب بخش غیر رقابتی تئاتر فجر درباره بحث‌هایی که درباره غیر رقابتی شدن جشنواره مطرح شده است واکنش داد.



## خوشبختانه رقابتی برگزار می‌شود

خیام و قار کاشانی: «من فکر می‌کنم اگر بتوان یک برنامه‌ریزی بلند مدت برای حضور بخش «به علاوه فجر» در جشنواره کرد که مدیران سال‌ها از یک سال قبل، بدانند قرار است بر آیند آثار منتخب‌شان را در جشنواره اجرا کنند قطعاً در برنامه‌ریزی یک‌ساله سال‌ها هم اثر می‌گذارد و سعی می‌کنند آثار باکیفیتی را پذیرش کنند چون آثاری که قرار است از رزینی شود چکیده و نماینده کل سال آن سال‌هاست و اگر نمایش باکیفیتی در این رویداد حضور نداشته باشد کل کار کرد و عملکرد یک ساله یک سال را می‌تواند زیر سؤال ببرد. خوشبختانه امسال داشته‌های جشنواره موافقت کرد بخش به علاوه فجر به شکل رقابتی برگزار شود، اگر این توجه در سال‌های آینده هم باقی بماند، باعث می‌گردد بیشتر به خرج دهند، چون می‌دانند برای ارزیابی عملکرد یک‌ساله‌شان وجود دارد.»

مدیر بخش «به علاوه فجر» سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به بی‌نامگی و کیفیت پایین برخی کارهای سال‌های خصوصی واکنش نشان داد.

## چهره‌ها و حرف‌ها



## نمادهای استادگی در پوستر جشنواره

شاهین علوی: «از حدود دو ماه پیش به آتودهای اولیه رسیده بودیم و میان سه آتود مرد بودیم که در هفته‌های اخیر تر دیدیم. سرو در ایران باستان نماد استادگی، مقاومت و آزادی بوده است. سرو درختی است که باید باشد. سرو در ایران باستان نماد استادگی، مقاومت و آزادی بوده است. سرو هم نماد گریه و خنده تئاتر کار شده که به صورت سمبولیک و مینیمال به آن پرداخته شده است تا از کلیشه‌های معمول تئاتر اندکی دور شویم. به طور کلی نگاه اجتماعی مردمی است و اصلاً نمی‌توان موضوعات اجتماعی را از آن جدا کرد چرا که این جشنواره ایران را در آن نشان دهد و سرو هم به نوعی نماد ایران است.»

طراح پوستر سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از رویکرد ایرانی خود در طراحی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر گفت.

## در حوزه بین‌المللی ضعیف‌تر شده‌ایم

ابراهیم نشت کوهی: «در سال‌های اخیر در حوزه بین‌المللی، ضعیف‌تر شده‌ایم. هم از نظر حضور خودمان در رویدادها و جشنواره‌های بین‌المللی و هم در بخش دعوت از میهمانان خارجی به جشنواره‌های خودمان و اینها سبب شده که بخش بین‌المللی تئاتر مان کم‌رنگ‌تر شود. جشنواره تئاتر فجر همچنان بزرگترین جشنواره ما و مرکزیت تئاتر ماست و هنوز هم می‌تواند به گامی نو به عنوان خنجر آه تئاتر باید طوری رفتار کنیم مقصود ما به عنوان ضرورتی مهم در جامعه، شناخته شده که این هنر به عنوان مابعد عنوان اهالی تئاتر باید شدن و جدی گرفته شود. ما به عنوان اهالی تئاتر باید شدن در خواست‌هایمان را از آنجا که مهم است، شناخته کنیم یا به حاشیه برویم که باعث بزرگ شدن برآیمان نخواهد داشت.»

کارگردان نمایش «تنها خرچنگ خانگی لای ملافه‌ها خانه می‌کند ایللو» درباره کیفیت بخش بین‌المللی جشنواره تئاتر فجر صحبت کرد.



«ایران» از توجه ویژه شهرستانی‌ها به جشنواره تئاتر فجر گزارش می‌دهد



# چرا فجر برای غیرتهرانی‌ها مهم است؟

نوشته احسان زیور عالم

ندارد. ابراهیم پشت‌کوهی در سال‌های اخیر از هنرمندان فعال بین‌المللی بوده است که با تکیه بر بوم‌نگاری منطقه هرمزگان، مورد توجه عرصه بین‌المللی قرار گرفته است. فجر همانند نور نقطه‌ای (Spotlight) برای هنرمند غیرتهرانی می‌ماند. فجر جایی است که او می‌تواند نور واقعی، دکور درخور، امکانات شایسته و در نهایت رسانه پویا را در اختیار بگیرد تا دیده شود. امری که به سبب سیاست‌های نادرست در استان‌ها مدام به مکث‌های طولانی موقوف می‌شود. شرایط برای هنرمندان استانی سخت می‌شود. این سختی منجر به مهاجرت شده و نتیجه آن محروم شدن مخاطب غیرتهرانی از تئاتر خوب است. تئاتری که می‌توانست با تقویت سخت‌افزاری همه‌گیر شود. می‌توانست چرخه عظیم‌تری پدید آورد و شاید بسان کشورهایی چون آمریکا و آلمان به یک صنعت سودآور بدل شود. هر چند آمار و ارقام نشان می‌دهد تئاتررها در ایران نسبت به جهان رقم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما بخش مهمی از این تئاترینی‌ها در گرو وضعیت ناروشنی است. جشنواره تئاتر فجر یک اثبات است. اثبات آنکه در استان‌هایی جز تهران، تئاتر وجود دارد. کار می‌کند و براساس بوم و زندگی مردمان آن دیار اندیشه تولید می‌کند. نشان می‌دهد هنوز افرادی هستند که به ادبیات و هنر علاقه دارند و در مرکز زیست نمی‌کنند. آنان برای علاقه خود چنان احترامی قائل‌اند که تصویری ناب می‌آفرینند، تصویری که در تهران یافت نمی‌شود. آنان بهای نداری‌های شهر خود را می‌پردازند؛ اما در این میان دولت در مقام متولی تئاتر بایستی دستگاه‌های فرهنگی را به سوی تقویت سخت‌افزاری شهرهای کوچک و بزرگ همگرا کند. نتیجه آن یک جشنواره تئاتر فجر بهتر است، جشنواره‌ای که به معنای واقعی کلمه آینه تمام‌نمای تئاتر ایران می‌شود. ■

در سال‌های اخیر اما وضعیت دگرگون شده است. دسترسی راحت هنرمندان به داده‌های هنری و توانایی ارتباط‌گیری با تئاتری‌های غیرایرانی شرایط را به سمتی برده است که هنر تئاتر استان‌ها روند رو به رشدی را طی کرده است. راه افتادن دانشکده‌های تئاتری در چند استان نیز مزید بر علت شده است؛ اما این مهم با یک مانع بزرگ روبه‌رو شده است: عدم وجود امکانات سخت‌افزاری. تقریباً در بیشتر استان‌های ایران سالن استاندارد تئاتر وجود ندارد. نمایش‌ها در سالن‌های چند منظوره تولید می‌شود. نیاز به بلک‌باکس‌های تئاتری در بسیاری از شهرها احساس می‌شود. در شهری چون اصفهان هیچ سالن قابل‌ذکری وجود ندارد. شهری که تا چند سال پیش یکی از پایه‌های تئاتری کشور به حساب می‌آمد. در شهر کاشان، با وجود میزبانی دو جشنواره ملی مهر کاشان و نمایش‌های آیینی و سنتی، هنوز سالن تئاتر به معنای واقعی کلمه ساخته نشده است. در مشهد که دومین شهر تئاتری ایران به حساب می‌آید، بدون تئاتر شهر آن، نمی‌توان سالن تئاتری در خوری معرفی کرد. در تبریز سالن تئاتر شهر به‌صد سالگی خود رسیده است و در کنار این بنای تاریخی هیچ ظرفیتی پدید نیامده است. در شهر همدان با وجود جشنواره تئاتر کودک و نوجوان، هیچ سالن استاندارد وجود ندارد. همه چیز به نوعی سمبل کاری سوق یافته است. اما این دلیل بر توقف تئاتر در ایران نشده است. ایران در خاورمیانه مهم‌ترین تولیدکننده تئاتر است. بیش از هر کشوری در منطقه درگیر تئاتر است و در آسیا حائز رتبه‌های مهمی است. برای مثال رضا گشتاسب که امسال با پنج اثر در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد، در یک سال گذشته در چندین جشنواره جهانی حضور داشته و مورد تجلیل قرار گرفته است. گشتاسب ساکن یاسوج است و هیچ برنامه‌ای برای حضور در تهران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران معادلات فکری یک کشور را تغییر داد. این تغییرات منجر به پدید آمدن آرمان می‌شود. آرمان‌ها، هدف بخش مهمی از جامعه می‌شود. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها مرکززدایی است، آرمانی که تا به امروز پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب، هنوز مطرح می‌شود؛ اما به سرانجام روشنی نرسیده است. هر از گاهی برنامه و طرحی اعلام می‌شود؛ اما به سبب ناپایداری مدیریتی و فقدان تمرکز در حوزه سیاست‌گذاری، همه چیز به نقطه صفر خود بازمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای تمرکززدایی، اهمیت دادن به مقوله هنر در شهرهای مختلف کشور بوده، اینکه تنها تهران مشروعبینی بر فعالیت هنری هنرمندان نباشد؛ بلکه سرزمین ایران از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب محلی برای تربیت و فعالیت هنرمندان شود. این مهم اگر چه در ابتدای انقلاب روند مثبتی را طی می‌کند؛ اما با پایان دهه ۶۰ و تغییر سیاست کلان کشور در حوزه فرهنگ، ناگهان آرمان مرکززدایی از یاد می‌رود و تهران سوار بر رخش پرسرعتی تمرکز فرهنگی کشور را به خود اختصاص می‌دهد. در مورد تئاتر وضعیت دردناک‌تر هم می‌شود. تئاتر که در ابتدای انقلاب هنر فراگیری است، ناگهان خود را بیش از هر زمانی در بند مرکزگرایی می‌بیند. به نحوی که عدم توزیع مناسب بودجه تئاتر در کل کشور، موجب می‌شود بخشی از جامعه از داشتن امکانات لازم محروم شود. این محرومیت منجر به عقب‌ماندگی هنری می‌شود. تا جایی که تا چند سال پیش یک اثر نمایشی از جایی جز تهران می‌توانست اثری برای تمسخر باشد. کیفیت نازل آثار در برابر آثار حرفه‌ای تهرانی شکل نومی‌کننده‌ای پدید می‌آورد. نتیجه کار هم روشن بود، عقب راندن تئاتر غیرتهرانی و غلبه سلیقه مرکز بر هنرمندان استانی.





ایران جشنواره شماره ۲  
(ضمیمه روزنامه ایران)  
در جشنواره تئاتر فجر  
صاحب امتیاز:  
خبرگزاری جمهوری اسلامی  
مدیر مسئول:  
مهدی شفیع  
سر دبیر: جواد دلیری

دبیر ویژه نامه: خسرو نقیعی  
دبیر تحریریه: بیجی نطنزی  
دبیر عکس: ابوالفضل نسایی  
دبیر اجرایی: جواد عبدی  
مدیر فنی: حجت حکیمی  
صفحه آرایی: دنیا حق شنو، محمد عباس پور  
ویراستاری و حروفچینی: گروه ویراستاری و حروفچینی «ایران»  
لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

## نمایش های منتخب سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

یکشنبه ۱۳ بهمن

# راهنما

اجتماعی است، پس منتظر شنیدن یک داستان باشید؛ اما داستانی سوررئال.

### زندگی با طعم خردل

- نویسنده: محمد غدیرزاده، سعید نجفیان
- کارگردان: سعید نجفیان
- مکان: تماشاخانه سرو
- زمان: ۱۸
- شهر: تهران
- بخش: خارج از مسابقه
- مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه
- اگر دنبال یک نمایش اجتماعی با

ورطه نابودی قرار می دهد. جهان مملو از خشونت آمریکا چنان بیرون می زند که دیگر خشونت به امری عادی بدل می شود. هر چند به نظر می رسد متن مک دونار نمی شود به سادگی در ایران اجرا کرد.

### کاش چشم نمی دید

- نویسنده: مهدی صفاری نژاد
- کارگردان: فرزاد لباسی
- مکان: تماشاخانه ایران تماش
- زمان: ۱۹
- شهر: همدان
- بخش: + فجر

که برایش پیش آمده برای دریافت طلبش به خانه یکی از بدهکارانش می رود ولی بدهکار حاضر به پرداخت پول به او نمی شود و این آغاز یک درگیری بزرگ است.

### بی پیش بی اجاره

- نویسنده: مهسا فتاحی
- کارگردان: میثم سرآبادانی
- مکان: تئاتر شهر
- زمان: ۱۶
- شهر: تفرش
- بخش: خیابانی

### بیگانه در خانه

- نویسنده: سید محمد مساوات
- کارگردان: سید محمد مساوات
- مکان: سالن اصلی تئاتر شهر
- زمان: ۱۹
- شهر: تهران
- بخش: مسابقه صحنه ای
- مدت زمان اجرا: ۱۲۰ دقیقه
- این نمایش مرز باریکی میان سینما و تئاتر است. یک دکور واقع گرا و شاید هایپررئال که در دلش زندگی یک زوج روایت می شود. کمی بوی جنایت می دهد و از سوی دیگر بوی عشقی در حال پوسیدن. اگر دوست دارید

رویکردهای ایرانی هستید شاید این نمایش شما را راضی کند. خاطره، دختر ذبیح و مونس در آستانه ازدواج با دانیال است. عمو ابراهیم رازی چندین ساله را افشامی کند. اکنون چند روزی است خاطره ناپدید است و عمو ابراهیم مظنون .... همه چیز برای یک ملودرام آماده است و احتمالا کمی اشک و آه.

### ژتیک...

- نویسنده: مهسا غفوریان
- کارگردان: مهسا غفوریان
- مکان: ایرانشهر- تالار استاد

نوید محمدزاده ای را ببینید که به هیچ عنوان تشخیص ندهید، این نمایش تازه مساوات را از دست ندهید. کارگردان جوانی که در هر نمایش خود، یک کالت می سازد.

### ستاره شناس

- نویسنده: دیدیه ون کولارت
- کارگردان: اصغر نوری
- مکان: تالار قشقایی
- زمان: ۱۷:۳۰ و ۱۹:۳۰
- شهر: تهران
- بخش: خارج از مسابقه
- مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه

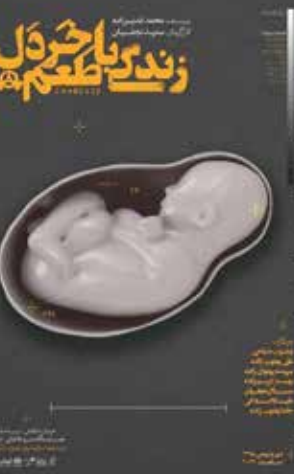
سمندریان  
● زمان: ۱۸ و ۲۰:۴۵  
● شهر: مشهد  
● بخش: مسابقه صحنه ای  
● مدت زمان اجرا: ۱۰۰ دقیقه  
این گروه مشهدی چند سالی می شود که کار می کنند و تئاتر دوستان آنان را می شناسند. خانم غفوریان دهه شصتی است و در رشته نقاشی تحصیل کرده و به خوبی می تواند نمایشی با فضا سازی و رنگ های خاص تولید کند. شهر مشهد یکی از قطب های مهم تئاتری ایران است که همیشه پر از گروه های نمایشی بوده است.



این نمایش یکی از کارهای مهم مجموعه تئاتر شهر بوده است که شنیده شده در یک سالن کوچک بیش از ۳۰۰ میلیون تومان فروش داشته است. موضوع نمایش درباره تنهایی و زندگی انسان مدرن است. ما با اتفاق های غافلگیرانه ساده و جالبی هم روبرو خواهیم شد. احمد ساعتچیان یکی از بازیگران خوب تئاتر هم در آن بازی می کند.

### خوابگرد

- نویسنده: نوید ایزدیار
- کارگردان: امیر کلهری پور



### قطع دست در اسپون

- نویسنده: مارتین مک دونا
- کارگردان: احمد بیستونی
- مکان: خانه نمایش مهرگان
- زمان: ۲۱
- شهر: تهران
- بخش: به علاوه فجر
- مدت زمان اجرا: ۱۰۰ دقیقه
- اگر دلتان برای کمی خشونت تنگ شده است، این متن مک دونا اقتناعتان می کند. مردی که به دنبال دست قطع شده اش به شهر اسپون رسیده است، مچ دختر و پسر تبهکاری را می گیرد و حالا آنان را در

● مدت زمان اجرا: ۷۰ دقیقه  
کمتر پیش می آید در ایام فجر یک نمایش ایرانی روی صحنه رود. آن هم خارج از سنگلج. حالا همدانی ها در یک تماشاخانه خصوصی نمایشی کمدی روی صحنه برده اند با حال و هوای موسیقی و بزم و طرب.

### ۱۲ روز

- نویسنده: علی بیگدلی
- کارگردان: علی بیگدلی
- مکان: تماشاخانه شانو
- زمان: ۱۷
- شهر: تهران

● بخش: + فجر  
● مدت زمان اجرا: ۴۵ دقیقه  
مصطفی هادی که بعد از ۵ دختر، با نذر به دنیا آمده است به جبهه می رود، بدنش تکه تکه شده و پدر می خواهد خودش فرزندش را از بوکان به تهران انتقال دهد. مادر از او قول گرفته که تنها پسرشان را سالم برمی گرداند. واکنش مادر چیست؟ جنون پدر تا چه حد است؟ ۱۲ روز از معدود آثار جنگی در جشنواره تئاتر فجر است.

### خرس

- نویسنده: آنتوان چخوف

● کارگردان: کیوان ضهرایی  
● مکان: مهرگان  
● زمان: ۲۱  
● شهر: تهران  
● بخش: + فجر  
● مدت زمان اجرا: ۸۰ دقیقه  
نمایشنامه خرس یا وحشی یکی از آثار مشهور کمدی آنتوان چخوف است که شاید اجراهای زیادی را از آن تاکنون دیده باشید با اینحال این نویسنده روس هیچ گاه کهنه نمی شود و قطعا یکی از ستون های اصلی تئاتر مدرن است. اسمیرنوف بعد از مشکلات مالی شدیدی



● مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه  
دیدن نمایش های خیابانی یک خوبی دارد که آن هم کوتاه بودن و توجه به موضوع های اجتماعی است. پس این تجربه را از دست ندهید. این گروه نمایشی تفرشی قرار است برپایه مسائل اجتماعی روز قطعه ای کوتاه و جذاب روی صحنه برند. گروه جوان اما باتجربه می توانند سرمای زمستان را گرم کنند.

### صدسال به این سال ها

- نویسنده: زهرارحیمی
- کارگردان: نجمه مهربانی

● مکان: تئاتر شهر  
● زمان: ۱۶:۳۰  
● شهر: خمینی شهر  
● بخش: خیابانی  
● مدت زمان اجرا: ۳۰ دقیقه  
با استفاده از یک اصطلاح رایج میان ما ایرانی ها می توانید یک نمایش کاملا زنانه را شاهد باشیم. کمتر در تئاتر خیابانی پیش می آید که کارگردان زن به سراغ متن یک نویسنده زن برود. خودش صد سال به این سال ها گفتن دارد.

### تئوپیک زمین داریم

- تولید: بازار بزرگ ایران
- زمان: ۱۷:۳۰
- شهر: تهران
- بخش: خیابانی
- مدت زمان اجرا: ۳۰ دقیقه
- نمایشی که در ایام جشنواره نمایش های آیینی و سنتی پرطرفدار شد محصول ایران مال و حمید بنی اردلان است. عروسک های غول پیکر با موضوع زمین، صلح و محیط زیست آن روزهای تابستانی پرطرفدار بودند. باید دید زمستان هم با دل های روشن عروسک ها گرم می شود.